

فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی

علی سروری مجد^۱

چکیده

یکی از اهداف مهم پیامبران الهی و جانشینان آنان برقراری زندگی نیکو یا جامعه آرمانی بوده است. گرچه اصطلاح «مدینه فاضله» یا «جامعه آرمانی» در قرآن یا متون روایی نیست، این موضوع ریشه در تعالیم انبیا داشته و مجموعه آیه‌ها و روایت‌هایی که درباره هدف و کیفیت زندگی مطلوب یا حیات طیبه سخن می‌گوید، ما را به این سمت و سو هدایت می‌کند. از نظر قرآن کریم و روایت‌های معصومان نه تنها دست یافتن به جامعه آرمانی امکان‌پذیر است، بلکه هدف بعثت انبیا همین بوده است.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که ویژگی‌های جامعه آرمانی در فرهنگ رضوی چیست؟ قرآن و عترت دو یادگار بی‌نظیر پیامبر اکرم (ص) هستند و امام رضا (ع) پاره تن رسول الله (ص)، وارث انبیا بزرگ الهی و امامان پیش از خود است؛ اینان، هم در حکمت نظری و هم در حکمت عملی به تلاش و مجاهدت برای تبیین و تحقق این هدف دیرینه پرداخته‌اند. در این مقاله به مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه آرمانی در فرهنگ رضوی اشاره می‌شود که عبارت‌اند از: عقل‌گرایی، برپایی عدل، احسان، حاکمیت امام، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی.

واژگان کلیدی

قرآن، عترت، ولایت، فرهنگ رضوی، جامعه آرمانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۰۱

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

Asoroorim@yahoo.com

❖ مقدمه

امام رضا^(ع) منصوب پروردگار و علمش وابسته به علم الهی است. خلیفه خدا در زمین و مظهر تام و تمام اسما و صفتهای اوست. در حکمت نظری و عملی سرآمد همه انسانها، جز پیامبر^(ص) و آل پیامبر^(ص) است. امام رضا^(ع) وصی پیامبر اکرم^(ص)، امیرالمؤمنین^(ع) و یکی از مصادیق عترت است. قرآن و عترت به دلیل حدیث ثقلین همتای یکدیگرند. استناد به سیره و سنت آن حضرت بی تردید انسان و جامعه را به بهترین و استوارترین روش زندگی و حیات طیبه رهنمون می‌کند.

خداوند درباره قرآن می‌فرماید: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقنوم» (اسرا/ ۹) و درباره پیامبر^(ص) نیز می‌گوید: «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله ولرَسُولِهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا یُحِیُّكُمْ» (انفال/ ۲۴). بنابراین، شناخت سیره آن بزرگوار، در مقام جانشین پیامبر اکرم^(ص) در واقع تفسیر علمی و عینی قرآن کریم است. التزام به فرهنگ رضوی چون منشأ و حیانی دارد و تعالیم و حیانی ناظر به فطرت انسانی است، نه تنها به دلیل تعبد، بلکه به دلیل عقل، تضمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت است.

تجربه بشری نشان داده التزام به فرهنگی که اولیای دین، معصومانه دریافت، ابلاغ و اجرا کرده‌اند، چیزی جز سعادت انسان را دربر نداشته است. اما آنچه در این رهگذر لازم و ضروری است، شناخت دقیق ابعاد و ویژگی‌های جامعه آرمانی است که از فرهنگ و سیره فاخر و ارجمند آن بزرگوار به دست می‌آید. چارچوب نظری این نوشتار بر اساس الگوی امامت در مکتب شیعه اثنی‌عشری و روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مفاهیم

قبل از ورود به بحث، تبیین مفاهیم مدنظر ضروری است.

فرهنگ

فرهنگ فارسی معین، فرهنگ را مرکب از دو واژه «فر» و «هنگ» به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است (۱۳۸۷: واژه فرهنگ). برای فرهنگ تعاریف متعددی ارائه شده که بعضی از این تعاریف مفهوم عام و برخی دیگر مفهوم خاصی از این واژه را به دست می‌دهند.

یکی از اولین تعاریف نسبتاً جامع را تیلور در سال ۱۸۷۱ ارائه کرده است.^۱ به قول ریموند ویلیامز^۲ در سال ۱۹۷۶ فرهنگ یکی از دو سه واژه‌ای است که پیچیده‌ترین واژه‌هاست. کشورها بر سر تعریف جهانی از مفهوم فرهنگ توافق ندارند. در مقدمه اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی سال ۲۰۰۱ یونسکو، فرهنگ چنین تعریف شده: «فرهنگ را باید مجموعه‌ای از خصیصه‌های مشخص معنوی، مادی، فکری و احساسی جامعه یا گروه اجتماعی تلقی کرد که دربردارنده هنر، ادبیات، شیوه‌های زندگی، روش‌های زندگی با هم، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورهاست» (فراهانی، ۱۳۸۶: ۸۰).

همچنین، سایر متفکران درباره فرهنگ، تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند^۳ که از میان آنان مرحوم علامه محمدتقی جعفری^(ره)، فیلسوف اسلامی، با نقد مهم‌ترین

۱. به نظر این مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ عبارت است از مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، عقاید، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و خلاصه همه آموخته‌ها و عادت‌هایی که انسان به‌عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند.

2. Raymond Williams

۳. در تعریف فرهنگ به معنای عام گفته‌اند: «مجموعه معارف، باورها، ارزش‌ها، هنرها، ادبیات، نظام‌های سیاسی و حقوقی، شیوه‌های قومی، ابزار و وسایلی جامع که انسان در فرایند تکامل خود به‌دست آورده و برای نسل‌های بعدی به میراث می‌گذارد» (ستوده، ۱۳۸۴: ۷۲). همچنین، روشه در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است، توسط تعداد زیادی از افراد فراگرفته می‌شود، بین آنها مشترک است و به دو شیوه عینی و نمادین به‌کار گرفته می‌شود تا این اشخاص را به جمعی خاص و متمایز مبدل سازد» (روش، ۱۳۶۷: ۱۲۳).

❖ تعریف‌ها از فرهنگ، چنین تعریفی ارائه داده است: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساس‌های تصعیدشده آنان در حیات تکاملی باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۷۷). ایشان فرهنگ را به دو قسم پیرو و پیشرو تقسیم می‌کند:

فرهنگ پیرو آن نوع کیفیت و شیوه زندگی است که تابع هیچ اصل و قانون اثبات‌شده‌ای نیست، بلکه ملاک درستی و نادرستی آن، تمایل‌ها و خواسته‌های مردم است. به بیان دیگر، این قسم فرهنگ ناشی از هوا و هوس‌ها و تمایل‌های طبیعی انسان‌هاست. اما فرهنگ پیشرو یا هدف‌دار و پویا از اصول ثابت حیات تکاملی انسان ریشه می‌گیرد؛ عامل محرک این فرهنگ، ابعاد اصیل انسانی است و هدف آن عبارت است از آرمان‌هایی که آدمی را در جاذبه هدف اعلامی حیات به تکاپو درمی‌آورد و تمدن اصیل را برای بشریت به ارمغان می‌آورد (نصری، ۱۳۷۶: ۳۴۸ - ۳۴۶).

با جمع‌بندی نظرهای گوناگون می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، شیوه زندگی، آداب و رسوم، نظام‌های سیاسی، اجتماعی و حقوقی است که در جامعه نهادینه شده است.

فرهنگ رضوی

فرهنگ رضوی مجموعه آموزه‌های امام رضا^(ع) و پدران پاک و معصومش تا پیامبر اکرم^(ص) در حکمت نظری و عملی است. این تعالیم همتای آموزه‌های قرآن کریم، تبیین آیه‌ها و تجسم عینی و عملی آن است. از آنجا که ائمه نور واحدند،^۱ گفتار و رفتار امام رضا^(ع) جدای از سایر معصومان نیست. بنابراین، مجموعه

۱. به نص صریح بسیاری از منابع روایی همچون: الکافی، بصائر الدرجات، المستدرک فی الامامه.

آموزه‌های قرآن و عترت را با تأکید بر گفتار و رفتار امام رضا^(ع) «فرهنگ رضوی» می‌نامیم؛ فرهنگی که امام رضا^(ع) با حکمت و تدبیر از آن پاسداری کرد و در آن راه به شهادت رسید؛ فرهنگی که آدمی را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو وامی‌دارد و تمدن اصیل را برای بشریت به ارمغان می‌آورد.

جامعه

واژه «جامعه» معانی لغوی و اصطلاحی دارد. در لغت به معنای گرد آمدن، فراهم آمدن، نزدیکی جسمی به جسم دیگر یا چندین جسم به همدیگر و سازگار کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰۴۹). جامعه مؤنث «جامع»، اسم فاعل از کلمه «جمع» و در لغت به معنای جمع‌کننده، طوق، غل، گردآورنده و غلی که بر گردن و دست نهند آمده است (همان، ج ۵: ۷۳۹۸). در زبان عربی واژه «مجتمع» و در زبان فارسی «جامعه» به کار می‌رود^۱ به معنای گروهی از انسان‌ها که در سرزمینی ساکن‌اند و حکومتی واحد دارند (مؤلفان، ۱۳۸۷: ۳۴).

برخی چون خواجه نصیرالدین طوسی معتقدند که واژه «انسان» از ریشه «أنس» است، یعنی خصلت طبیعی او زندگی با هم‌نوعان و ریشه تمدن، مدینه است؛ به این معنا که زندگی اجتماعی جز از طریق تعاون امکان‌پذیر نیست (شریف، ۱۳۶۲: ۸۹۴؛ طوسی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). او ناچار است در جامعه برای رفع نیازهای خویش با هم‌نوع خود زندگی کند. البته این نگاه، طبیعی بودن حیات اجتماعی انسان را نیز تأیید می‌کند.

به تعبیر استاد مصباح یزدی، مدینه با این تعریف جامعه کاملاً منطبق است: «جامعه واحد مجموعه‌ای است از انسان‌ها که با هم زندگی می‌کنند، کارهایشان مستقل

1. Society

❖ سال اول، شماره ۲، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۹۲

و مجزا از هم نیست، بلکه تحت یک نظام تقسیم کار با هم مرتبط است و آنچه از کار جمعی‌شان حاصل می‌آید، در میان همه‌شان توزیع می‌شود» (مصباح‌یزدی، ۱۳۶۸: ۸۹). بهترین تعریفی که برای جامعه می‌توان استنباط کرد این است که جامعه به اجتماع انسان‌ها گفته می‌شود که بر پایه هدف و قانون مشترکی زندگی می‌کنند.

جامعه آرمانی

واژه «آرمان‌شهر» (utopia) را نخستین بار توماس مور در سال ۱۵۱۶ در کتابی به همین نام به کار برد (مور، ۱۳۸۸: ۷). پیش‌تر مفاهیم مشابهی از این واژه در آرای فلاسفه یونان باستان (افلاطون و ارسطو) عرضه شده و در فلسفه اسلامی از آن به نام مدینه فاضله یاد شده بود. اصل واژه «اتوپیا» (utopia) یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجا‌آباد» است. اتوپیا واژه‌ای است مرکب از ou (او) یونانی به معنای «نفی» و کلمه topos (توپوس) به معنای «مکان». بنابراین، از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» است.

آرمان‌شهر نمادی از واقعیت آرمانی و بدون کاستی است که متضمن سعادت و خوشبختی مردم باشد. همچنین، می‌تواند نمایانگر حقیقتی دست‌نیافتنی باشد. گاه به صورت اساطیر، عصر زرین و حماسه‌های بشری جلوه‌گر شده و گاه در محک آرمان‌های نظام حاکم؛ از افلاطون، ارسطو و فارابی گرفته تا رابرت اوئن^۱، شارل فوریه^۲، اتین کابه^۳ و... همگی کوشیده‌اند به توصیف آرمان‌شهر مطلوب‌شان بپردازند.

آیت‌الله معرفت^(ره) می‌فرماید: «در این جامعه، هدف، رشد و تکامل نوع انسانی

1. Robert Owen
2. Charles Fourier
3. Etienne Cabet

است تا افراد هرچه بهتر زندگی کنند، به نحو احسن به حقوق حقه و طبیعی خود دست یابند و از مواهب طبیعت که خداوند در اختیار بشر گذارده، به گونه شایسته و بایسته بهره‌مند شوند» (۱۳۷۸: ۱۲). ایشان با استناد به آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرمایند: «در چنین جامعه‌ای، انسان به دلیل انسان بودن مورد احترام قرار می‌گیرد و هرگز عوامل محیطی و شرایط زیستی... یا گرایش‌های خاص که باعث عقیده‌ها و باورهای گوناگون می‌شود یا نسب و حسب، سبب تبعیض از برخورداری از حقوق انسانی و مواهب طبیعی و الهی و... نمی‌گردد» (همان).

ایشان «تقوا» را به معنای تحفظ و تعهد گرفته، معتقدند هر انسانی باید این تعهد را در خود احساس کند و در مقابل بهره‌مندی از مواهب الهی و دستاوردهای دیگران، خود نیز بهره بدهد. همچنین، ایشان با اشاره به آیه «هو انشأكم من الأرض و استعمرکم فیها» (هود / ۶۱) می‌گویند: «آباد کردن زمین بدون روح همزیستی، نوع دوستی، ایثار و... میسر نیست. همین است معنای خلافت در زمین و مسخر بودن کائنات برای انسان و پذیرا شدن امانت و ودایع الهی تا مشمول «ولقد کرمتنا بنی آدم» (اسرا / ۷۰) قرار گیرد» (همان: ۱۳).

آموزه‌های قرآن و عترت ناظر به رشد و تعالی بشر در همه ابعاد، منتهی به هدف خلقت انسان است. بنابراین، هر گاه سخن از برپایی قسط، بسط معنویت، شکوفایی عقل، احسان و... می‌کند، ناظر به جامعه‌سازی است.

جمع‌بندی مفهوم جامعه آرمانی

۱. جامعه آرمانی جامعه‌ای است تحت ولایت الهی که هدف آن رشد معنوی و مادی بشر است و دائم در حال رشد و شکوفایی است.^۱ کرامت انسان‌ها در آن

۱. «لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَلَائِكَةً طَبِيبَةً كُنْجَرَةً طَبِيبَةً أَصْلُهَا بَابُ وَ قَرْنُهَا فِي السَّمَاءِ» «تُوِي أَكْلَهَا كُلُّ حِينٍ يَأْتِي رِيًّا وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَنْمَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهيم / ۲۵-۲۴).

❖ رعایت می‌شود، مردم به ولایت الهی و اطاعت از فرامین او تن می‌دهند و عدالت و تقوای الهی را در همه شئون آن به پا می‌دارند.

۲. آرمان‌شهر امری دست‌نیافتنی و در زمره آرزوها تلقی نمی‌شود، بلکه جامعه‌ای است که تعالیم قرآن، عترت و سیره عملی اهل بیت که متصل به سرچشمه آفرینش انسان و جهان است، خصوصیات آن جامعه آرمانی را برای بشر تبیین کرده و هرگاه بشر پایبند به اصول و ارزش‌های آن بوده، طعم شیرین آن را درک کرده است.

۳. در جامعه آرمانی از همه مواهب و نعمت‌های الهی به‌درستی و برای رشد فضائل و کمال‌نهایی بشر استفاده می‌شود.

سال اول، شماره ۲، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۹۲

امامت در مکتب شیعه اثنی‌عشری

امام امتیازها و ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که بقیه مردم حتی دانشمندان و نخبگان بشری از آن بی‌بهره‌اند و همین ویژگی‌هاست که او را از همگان ممتاز می‌کند. بنابراین، جامعه آرمانی تنها با حضور و حاکمیت او و تبعیت محض مردم از او محقق می‌شود. مهم‌ترین امتیازها و ویژگی‌های امام در ارتباط با جامعه آرمانی عبارت‌اند از: نصب الهی، عصمت، وابستگی به علم الهی، ولایت، هدایت علمی، هدایت به امر، سیاست و حکومت، هدایت دینی و دفاع از دین‌باوران، پدری دلسوز و مهربان، اصلاح جهانی.

امام رضا(ع) مصداق امامت

امام رضا(ع) (۲۰۳-۴۸۱ق)، هشتمین امام شیعیان اثنی‌عشری، به نص پیامبر اکرم(ص) در حدیث لوح و نص پدران معصومش همه خصوصیات یادشده درباره

امام را دارد. بر اساس روایت امام جواد^(ع) نام گذاری آن حضرت به «علی» و لقب «رضا» از سوی خداوند تعالی است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۷۵۹).

حضرت رضا^(ع) وارث علم نبوی و فضائل علوی است. کتاب‌های شیعه و اهل سنت از علم، زهد، عبادت، کرامت، سیاست و حکمت بی نظیرش که از اجداد خود به عنایت الهی به ارث برده، حکایت می‌کند. شخصیت امام رضا^(ع) فراتر از ملاک‌های عقلی آدمیان و نصب او فرابشری است (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ۷۶). امام رضا^(ع) مقتدای خود را امیرالمؤمنین^(ع) می‌دانند و می‌فرمایند: «ان علیا امیرالمؤمنین^(ع)... امامی، حجتی، عروتی، صراطی، دلیلی و مَحَجَّتِی...» (همان: ۲۸-۲۷).

امام رضا^(ع) همان کسی است که روایت‌های معتبر اسلامی از معجزه‌های آن حضرت همانند معجزه‌های حضرت عیسی^(ع) و حضرت سلیمان^(ع) حکایت می‌کنند (همان، ۱۴۳۰: ۱۵۳-۶۵)^۱. روزی که به دعبل خزاعی، شاعر اهل بیت، جامه‌ای عطا کردند، فرمودند در این لباس هزار رکعت نماز خوانده و هزار بار ختم قرآن نموده‌ام. در میان مردم مرو، پیروان اهل بیت بر این باور بودند که امام باید از سوی خداوند نصب شود و ولایت را بر عهده گیرد، اما دیگران می‌گفتند که امام را نه نصب الهی، که انتخاب مردمی معین می‌کند و او در حقیقت وکیل امت است. امام رضا^(ع) پس از آمدن به مرو و آگاهی از این مسئله فرمودند: «امامت را نشناختند تا امام را بشناسند. همان‌طور که الله با الوهیت شناخته می‌شود، امام با امامت.» آنگاه ویژگی‌های امام را برشمردند: «قدر و منزلت، شأن و جایگاه امام رفیع‌تر از آن است که با عقول مردم سنجیده شود یا آنکه به اختیار خود برگزینند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۹).

۱. معجزه‌های امام رضا^(ع) حکایت از جایگاه ممتاز ایشان در جانشینی از رسول خدا^(ص) و امیرالمؤمنین^(ع) می‌کند. بابی در مجلد ۲۲ کتاب ارزشمند *عوامل العلوم* به این موضوع اختصاص یافته. معجزه‌هایی از قبیل نماز استسقا (موحدابطحی، ۱۴۳۰: ۳۴۱).

چون هدف از نزول قرآن و نصب امامان، هدایت بشر و ساختن دنیا و آخرت آباد برای مردمان است، فعل، قول و تقریر ائمه، معصومانه و وابسته به علم الهی است. بنابراین، سنت و سیرت آن امام معصوم نیز تحقق‌بخش جامعه آرمانی است.

جامعه آرمانی در فرهنگ رضوی

آموزه‌های قرآن و عترت ناظر به رشد و تعالی معنوی و مادی انسان‌هاست. امام رضا^(ع) بر اساس نصوص روایی معتبر، عالم آل محمد^(ص) و یکی از مصادیق «ساسة‌العباد»، «ارکان‌البلاد» و «امناءالرحمان» است. مردم بر اساس باور به اصول توحید، نبوت، امامت و نصوص قرآن و عترت می‌توانند با اطاعت و اعتقاد راسخ به آموزه‌ها و تعالیم رضوی به ساختن جامعه‌ای آرمانی که تضمین‌کننده آبادانی دنیا و آخرت آنان است، مطمئن و امیدوار باشند.

آنچه جامعه آرمانی را با استفاده از فرهنگ رضوی به‌وجود می‌آورد، در چند بُعد می‌توان خلاصه کرد: عقل‌گرایی، برپایی عدل، حاکمیت امام، احسان، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی. به‌منظور دستیابی به این ابعاد، لازم است ابتدا به تبیین آنها در فرهنگ رضوی بپردازیم.

عقل‌گرایی

حکماً عقل را به عقل نظری و عملی تقسیم کرده‌اند. عقل نظری ناظر به هست‌ها و نیست‌هاست و عقل عملی ناظر به باید‌ها و نبایدها. یکی از ویژگی‌های جامعه آرمانی در فرهنگ رضوی، شکوفایی عقل هم در بُعد نظری است و هم در بُعد عملی؛ هم تعالی اندیشه‌ها، هم تعالی انگیزه‌ها و رفتارها.

۱. **منزلت عقل:** عقل محبوب‌ترین مخلوق و مخاطب خداوند در انجام

تکالیف است.^۱ در روایت سوم از کتاب *عقل و جهل اصول کافی*، عقل وسیله پرستش خدا و به دست آوردن بهشت معرفی شده است.^۲ در حدیث چهاردهم آن کتاب، ۷۵ خصوصیت و اثر آن به نام لشکر عقل بیان شده است. پس عاقل کامل کسی است که آن اثر در او باشد و در برابر اوامر و نواهی خالق و پروردگارش کاملاً مطیع و فرمان‌بردار. امام رضا(ع) دوست هر کسی را عقل و دشمنش را جهل می‌داند (همان، ح: ۴: ۱۱).

کیفر پاداش مردم در روز جزا به مقدار عقل ایشان است (همان، ج: ۱: ۲۳-۲۱). عقل چنان انسان را رشد می‌دهد که عاقل خوابیده از جاهل شب‌زنده‌دار برتر دانسته شده است.

۲. **عقل وسیله انتخاب آگاهانه:** یکی از ویژگی‌های مردم در جامعه آرمانی، شنیدن سخن دیگران و انتخاب آگاهانه و پیروی از بهترین آنهاست. طعم خوش به‌کارگیری و شکوفایی عقل در این مسئله خود را نشان می‌دهد که انسان‌ها آزادانه و عاقلانه بشنوند، بیندیشند و انتخاب کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوا الباب» (زمر / ۱۷-۱۸).

۳. **عقل وسیله ژرف‌اندیشی در معارف الهی:** آموزه‌های رضوی حاکی از تعقل و تفکر در معارف الهی است. نمونه آن را می‌توان در مناظره‌هایی که درباره توحید از آن حضرت نقل شده ملاحظه کرد.^۳ مناظره حضرت با عمران صابی نشانه‌ای از عقل‌گرایی و استفاده از برهان در مسئله توحید است.^۴

۱. ابی‌جعفر(ع) قال: «لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له أقبل فأقبل ثم قال له أذبر فأذبر ثم قال و عزتی و جلالی ما خلقت خلقاً هو أحبُّ إلی منک و لآ اتملک إلا فیمن أحبُّ أما إنی إیاک أمر و إیاک أنهی و إیاک أعاب و إیاک أئیب» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ح ۱: ۱۰).

۲. قلت لابی‌عبدالله(ع) ما العقل قال: «ما عبید به الرحمن و اکتسب به الجنان» (همان، ح: ۳).

۳. مناظره با سلیمان مروزی، عمران صابی و...

۴. قال عمران ثم أرى هذا إلا أن تُخبرنی یا سیدی أ هو فی الخلق أم الخلق فیهِ قال الرضا ع أجل یا عمران عن ذلك لیس هو فی الخلق و لا الخلق فیهِ تعالی عن ذلك و ساء علمک ما تعرفه و لا قوة إلا بالله أخبرنی عن المرأة أنت فیها أم هی فیک فإن کان لیس واحد منكما فی صاحبه فبأی شیء اشتدلت بها علی نفسك یا عمران قال بضوء بینی و بینها قال الرضا ع هل ترى من ذلك الضوء فی المرأة أكثر ممّا تراه فی عینک قال نعم قال الرضا ع فأرناه فلم یجر جواباً... (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۱).

در تعالیم امام رضا^(ع) یکی از علل و جوب حج، رشد عقلانیت، تعالی سطح معرفت دینی و ژرف‌شناسی حقایق وحی دانسته شده است:

از آن رو حج بر مردمان واجب شد تا به جانب خدای بزرگ رو آورند... و در حج برای مردم آگاهی دینی (شناخت دین) حاصل شود و اخبار امامان بازگو گردد و به هر ناحیه و کشوری برسد. این همان است که خداوند فرموده است: باید تنی چند از هر گروه (به این سوی و آن سوی) کوچ کنند تا دانش دین بیاموزند، آنگاه که نزد مردم خویش بازگشتند، بیم دهند (و آگاه سازند)...^۱

حسن بن جهم گوید جمعی از یاران ما در خدمت حضرت رضا^(ع) سخن از عقل به میان آوردند، امام فرمودند: «دینداری که عقل ندارد اعتنایی به او نباشد.» گفتم: «قربانت گردم، بعضی از مردمی که به امامت قائل‌اند ما نقصی بر آنها نمی‌بینیم، در صورتی که به اندازه عقلشان عقل شایسته ندارند.» فرمودند:

ایشان مورد خطاب خدا نیستند (زیرا خدا عاقل را امر و نهی می‌کند و به اندازه عقلشان پاداش و کیفر می‌دهد) خدا عقل را آفرید و به او فرمود: پیش آی! پیش آمد، برگرد! برگشت. فرمود: به عزت و جلالم بهتر و محبوب‌تر از تو چیزی نیافریدم بازخواست و بخششم متوجه توست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷).

۴. نقش فرهنگ رضوی در شکوفایی عقل: انبیا و اولیای الهی، خود عاقل‌ترین افراد بشر بوده و همواره تلاششان برای برانگیختن و شکوفایی عقول مردم بوده است. پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «در منزل بودن عاقل، از مسافرت جاهل (به سوی حج

۱ «إنما امروا بالحج لعله الوفاة الى الله - عزوجل - و... مع ما فيه من التفقة و نقل اخبار الائمه الى كل صقع و ناحية، كما قال الله عزوجل، فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة، ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم...» (توبه / ۱۲۲؛ صدوق، همان، ج ۲: ۱۱۹).

و جهاد) بهتر است و خدا، پیغمبر و رسول را جز برای تکمیل عقل مردم، مبعوث نکرد (تا عقلش را کامل نکند؛ او را مبعوث نمی‌کند) عقل او برتر از عقول همه امتش است» (همان: ۱۳). امتیاز لقمان اگرچه از انبیای الهی نبود، به سبب فزونی عقل و حکمتش بود. امامان در مقام اوصیای پیامبر اکرم (ص) معدن علم، مهبط وحی و مرکز رفت و آمد فرشتگان الهی‌اند و ادامه‌دهنده وظایف و مسئولیت‌های انسان‌ساز پیامبر (ص) در شکوفایی عقول بشر.

امام موسی بن جعفر^(ع) به هشام بن حکم فرمودند: «ای هشام، خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان؛ حجت آشکار رسولان و پیغمبران و امامان‌اند و حجت پنهان، عقل مردم است» (همان: ۱۹)^۱. انبیای الهی و اوصیای آنان همگی یک راه و هدف را دنبال می‌کنند،^۲ همواره مؤید یکدیگرند، برای شکوفایی عقل‌ها تلاش می‌کنند و جامعه را به کوشش در راه خداوند فرامی‌خوانند.

فرمایش‌ها و مناظره‌های امام رضا^(ع) در مباحث توحیدی شاهد بزرگی بر تلاش آن حضرت در شکوفایی عقل و باروری اندیشه‌هاست (رک: صدوق، ۱۴۱۶: ۴۱؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱، بخش ۲: ۴۸-۹ و ج ۲، بخش ۲: ۱۳۷-۷۲). در فرهنگ

۱.

ای هشام، خدای تعالی در کتابش می‌فرماید همانا در این کتاب یادآوری است برای کسی که قلب دارد (یعنی عقل دارد) و فرموده «همانا به لقمان حکمت دادیم» فرمود مقصود از حکمت، عقل و فهم است. ای هشام، لقمان به پسرش گفت: «حق را گردن نه تا عاقل‌ترین مردم باشی. پسر عزیزم، دنیا دریای ژرفی است که خلفی بسیار در آن غرقه شدند (اگر از این دریا نجات می‌خواهی) باید کشتی‌ات در این دریا تقوای الهی و ایمان، بادبان‌ش توکل، ناخدایش عقل، رهبرش دانش و لنگرش شکیبایی باشد.» ای هشام، برای هر چیز رهبری است و رهبری عقل، اندیشیدن و رهبر اندیشیدن، خاموشی است و برای هر چیزی مرکبی است و مرکب عقل تواضع است، برای نادانی تو همین بس که مرکب کاری شوی که از آن نهی شده‌ای. ای هشام، خدا، پیغمبران و رسولانش را به سوی بندگانش نفرستاد، مگر برای آنکه از جانب خدا خردمند شوند. (یعنی معلومات آنها مکتسب از کتاب و سنت باشد، نه از پیش خود) پس هر که نیکوتر پذیرد، معرفتش بهتر و آنکه به فرمان خدا داناست، عقلش نیکوتر است و کسی که عقلش کامل‌تر است مقامش در دنیا و آخرت بالاتر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹).

۲. «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ تَأْتِرُقُ بَيْنَ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (بقره / ۲۸۵).

❖ رضوی تفکر در معارف توحیدی و باروری اندیشه‌ها، ارزشمندتر از نماز و روزه‌های مستحبی فراوان و خالی از معرفت است: «عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاءَ يَقُولُ لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ التَّفَكُّرُ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۵).

علوم و معارفی که امام رضا^(ع) برای بسط و گسترش آن کوشیدند و تلاش‌های سیاسی - اجتماعی آن حضرت که آثار آن در آن زمان و در تاریخ باقی ماند، همگی موجب شکوفایی عقول بشر است.

برپایی عدل

عدالت به مثابه نقطه عزیمت اعتلای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مقدم بر همه آنهاست، چراکه خداوند، هستی را بر اساس حق و عدل بنا نهاده است.^۱ به تعبیر امیرالمؤمنین^(ع) عدل مایه حیات بشر است^۲ و اصلاح امور مردم جز با عدل امکان‌پذیر نیست.^۳

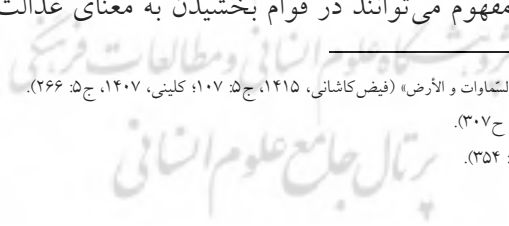
عدالت در اسلام از چنان اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در زمره اهداف بعثت انبیا قرار دارد و از دیرباز انسان‌های فرهیخته و آزاده، شیفته عدالت بوده‌اند و تشنه اجرای آن. عدالت چیست؟ عدالت در لغت به معنای برابری، استقامت و راست کردن کژی و اعوجاج، انصاف، حد وسط میان امور و مفهومی است در مقابل ظلم و جور (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۳۳۶).

در تعاریف گوناگون، عدل همواره با دو مفهوم ارتباطی تنگاتنگ دارد: استحقاق و مساوات. این دو مفهوم می‌توانند در قوام بخشیدن به معنای عدالت - در تعاریف

۱. قال رسول الله (ص): «بالعدل قامت السموات والأرض» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۰۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۶۶).

۲. العدل حياة (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۰۷).

۳. الرعية لا يصلحها الا العدل (همان: ۳۵۴).



مختلف- نقش مهمی ایفا کنند. در طیف وسیعی از کاربردها در نصوص، مفهوم عدالت در ارتباطی وثیق و مستقیم با مفهوم حق و به تبع با مفهوم استحقاق قرار گرفته است. از موارد این پیوستگی می توان به حدیث مشهوری از زبان پیامبر (ص) اشاره کرد که در آن «اعطاء کل ذی حق حقه» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲: ۶۹۴؛ ابوداود سجستانی، ۱۳۶۹ق، ج ۳: ۱۱۴؛ ترمذی، بی تا، ج ۴: ۶۰۸) ارزش کلی و دستور عمل مسلمانان دانسته شده است. باید توجه داشت عین همین تعبیر در تعاریف مختلف از عدالت دیده می شود.

صورت دیگری از تعریف عدالت، عبارت است از قرار دادن امور در مواضع خود؛ به مثابه حدیثی از زبان امام امیرالمؤمنین (ع) (سیدرضی، ۱۴۱۴: ح ۴۳۷). عدالت به طور کلی نظام تعاملی است که در کنار آن، مفهومی به نام مسئولیت مشترک شکل می گیرد.^۱ چنین مسئولیت مشترکی که به تحقق عدالت می انجامد جز با همدلی و اطاعت افراد از ولی خدا معنا نمی یابد. این مسئولیت مشترک امری است که مستقیم یا غیرمستقیم می توان آن را در نصوص اسلامی پیگیری کرد.

یکی از مهم ترین اشاره ها به این امر در این آیه دیده می شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ ۲۵). آنچه در این آیه به آن استشهاد می شود، تکیه قرآن کریم بر این است که فاعل قیام بر قسط، مردم هستند و همه تمهیدها، از فرستادن پیامبران و نازل کردن کتاب های مقدس، برای آن است تا مردم خود به برپاداشتن قسط برخیزند. امام رضا (ع) می فرماید: «استعمال العدل و الاحسان موذن بدوام النعمه» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۴).

۱. و قال رسول الله (ص) كلکم مسئول عن رعیتہ و قال (ص) أحسنوا إلی رعیتکم فإنها أَسْرَکُم و قيل الملك یقی بالعدل مع الکفر و لایقی الجور مع الایمان (شعیری، بی تا، ج ۱: ۱۱۹).

عدالت‌ورزی و نیکوکاری عامل پایداری نعمت‌هاست. این فرمایش حضرت مستفاد از آیه شریفه «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان» (نحل / ۹۰) است. کسی که به عدالت رفتار کند، حق هر ذی‌حقی را ادا کرده است. پس هرگاه چنین شد، آن‌چنان‌که شکر نعمت سبب فزونی آن می‌گردد، رفتار عادلانه هم موجب دوام نعمت می‌شود. البته امر به احسان در قرآن و فرمایش حضرت فراتر از اجرای عدالت است که خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد. مهم‌ترین ابعاد عدالت در جامعه آرمانی عبارت‌اند از: عدالت اقتصادی، عدالت فرهنگی، عدالت اجتماعی، عدالت در داوری.

حاکمیت امام

امامت به نصب الهی، از حضرت ابراهیم^(ع) آغاز و به فرزندان برگزیده‌اش تا امام رضا^(ع) و حضرت مهدی^(عج) استمرار یافته است. امام علی بن موسی الرضا^(ع) درباره امامت می‌فرماید:

امامت، جلیل‌القدرتر، عظیم‌الشان‌تر، والاتر، منبع‌تر و عمیق‌تر از آن است که مردم با عقول خود آن را درک کنند یا با آرا و عقاید خویش آن را بفهمند یا بتوانند با انتخاب خود امامی برگزینند. امامت چیزی است که خداوند بعد از نبوت و خلت (مقام خلیل‌اللهی) در مقام سوم، ابراهیم خلیل^(ع) را بدان اختصاص داده، به آن فضیلت مشرف فرمود و نام او را بلندآوازه کرد.

خداوند می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ ای ابراهیم! تو را برای مردم، امام برگزیدم... و امامت به همین ترتیب در نسل او باقی بود و یکی بعد از دیگری نسل به نسل آن را به ارث می‌بردند تا اینکه پیامبر اسلام وارث آن گردید (بقره/ ۱۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۸).

امام رضا^(ع) جایگاه امامت را خلافت الهی و جانشینی از پیامبر اکرم^(ص) می‌دانند: «إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ (ص) وَ مَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَ مِيرَاثُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (ع) إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ صَلَاحُ الدُّنْيَا وَ عِزُّ الْمُؤْمِنِينَ» (همان: ۲۰۰). این مقام همان است که به نصب الهی به امیرالمؤمنین^(ع) داده شده بود. همان‌طور که پیامبر اکرم^(ص) خلیفه و ولی خدا در زمین و اولی به تصرف است، هر امامی چون امام رضا^(ع) چنین جایگاهی دارد. حاکمیت امام باعث استواری زمام دین، نظم مسلمین، صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. عزت به معنای توانایی و در مقابل آن، ذلت است. راغب در مفردات می‌گوید: «عزت حالتی است که از مغلوب بودن انسان مانع می‌شود» (۱۴۱۶، ج ۱: ۵۶۳).

عزتمندی مسلمانان در پرتو حاکمیت امام به معنای شکست‌ناپذیری و دوری از هر سستی و ناتوانی است. حاکمیت امام و التزام قلبی و عملی به فرامین او باعث نظم، سربلندی، اقتدار و پیروزی در همه عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... است. امام، جامعه را از تشتت به وحدت، همبستگی، صفا و صمیمیت دعوت می‌کند.

رفتار و گفتار امام رضا^(ع) در مدینه، مسیر مدینه تا مرو و زندگی در خراسان حاکی از این ادعاست. امام رضا^(ع) می‌فرماید:

به خدا سوگند وقتی در مدینه بودم بر مرکب خود سوار می‌شدم و در میان شهر و بیرون شهر رفت و آمد می‌کردم. مردم مدینه حوائج و گرفتاری‌های خود را به من می‌گفتند و من نیز نیازهای ایشان را برآورده می‌ساختم. به این ترتیب، من و آنها مثل دوست و خویشاوند، این‌گونه رابطه داشتیم (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۶۷).

❖ سال اول، شماره ۲، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۹۲
 امام رضا^(ع) شخصیتی است که فرقه‌های گوناگون اسلامی را مجذوب خود کرده، کانون توجه بسیاری از عالمان و محدثان شیعه و اهل سنت شده و احادیث بسیاری از امام صادق^(ع) و امام کاظم^(ع) که در آثار آنان نقش بسته از طریق امام رضا^(ع) نقل شده است (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۲۰۳).

اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان امام رضا^(ع) و برخوردهای حکیمانه و معصومانه آن امام که ناشی از ارتباط و حیانی و وابستگی به علم الهی در آن حضرت بود، نشان داد امام باعث وحدت و انسجام مسلمانان، حفظ اصل دین، بسط و نشر معارف الهی و تأثیرگذاری بر تاریخ و زندگی بشریت است.

احسان

احسان به معنای رساندن نفع نیکو و شایسته ستایش به دیگری است (طوسی، بی تا، ج ۲: ۱۵۳ و ج ۳: ۱۴)، انجام کاری از سر آگاهی و به شکل شایسته که از روی زیادتی و بخشش، مستحق پاداش است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۴۸)، انجام کار نیک یا رساندن نفع به دیگری با انگیزه خدایی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۰ و ج ۱۲: ۳۳۲) از این جمله‌اند. فرهنگ رضوی که همان فرهنگ قرآن، رسول اکرم^(ص) و امیرالمؤمنین^(ع) است، آکنده از مصادیق احسان است. برخی از مهم‌ترین مصادیق احسان عبارت‌اند از: احسان به خلق، عفو و صفح، صبر و جهاد در راه خدا.

۱. احسان به خلق: مهم‌ترین مصداق آنکه تأکیدهای فراوانی در قرآن پس از پرستش خدا و شرک نداشتن به او بیان شده، احسان به پدر و مادر است: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نسا/ ۳۶)؛ «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/ ۸۳). همچنین، از مصادیق احسان به خلق، احسان

همسران به یکدیگر است: (بقره/ ۲۲۹ و ۲۳۶؛ نسا/ ۱۲۸) و نیز احسان به هموعان (خویشان، ایتام، مسکینان و...) است: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ» (بقره/ ۸۳). امیرالمؤمنین^(ع) در عهدنامه مالک اشتر می فرماید: «أَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ؛ ای مالک! قلب خود را نسبت به ملت خود مملو از رحمت، محبت و لطف کن.» رهبران الهی شیفته مؤمنان و در اندیشه احوال مردم اند؛ در غم آنان می سوزند و در شادی آنان شادند» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۶)

امام رضا^(ع) می فرماید: «... ما من احد من شيعتنا... ولا يغتم الا اغتمنا لغمه و لا يفرح الا فرحنا لفرحه...؛ فردی از شیعیان ما نیست، مگر آنکه در غم او غمگینیم و در شادی او شادیم...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۵: ۱۶۸). قلب امام مملو از رحمت بر بندگان است و محبت و احسان را در جامعه نهادینه می کند. شخصی نزد امام رضا^(ع) آمد، به او سلام داد و گفت: «من یکی از آنهایی هستم که تو و پدرت را دوست می دارد. من از حج برگشته، پول و دارایی ام را تمام کرده ام و هیچ پولی ندارم تا به منزل برسم. از تو خواهش دارم مرا به وطنم بازگردانی. وقتی به منزل رسیدم، آنچه به عنوان صدقه به من داده ای، به فقیری می دهم.»

امام به آن مرد فرمود: «خدای من به تو خیر دهد. این ۲۰۰ دینار را بگیر، برای رفع احتیاجت صرف کن و آن را از طرف من به عنوان صدقه به فقیر مده.» بعد از رفتن مرد سلیمان جعفری رو به امام کرد و پرسید: «شما مقدار زیادی پول به آن مرد بخشیدید، درحالی که صورتت را پوشاندی؟» امام رضا^(ع) در پاسخ به او گفت: «این کار را از این رو انجام دادم که مبادا آثار حقارت و شرمندگی را به خاطر

❖ برآورده شدن حاجتش در صورتش ببینم» (همان، ج ۱۲: ۲۸).

۲. **عفو و صفح:** عفو، گذشتن از خطای دیگران و صفح، زدودن خاطره آن از دل است. قرآن کریم می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/ ۱۳). فرهنگ رضوی فرهنگ مدارا، عفو و صفح است.

۳. **صبر:** «وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (هود/ ۱۱۵): «أِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/ ۹۰). صبر بر مصیبت، صبر بر معصیت و صبر بر طاعت، انواع صبرهایی هستند که در فرهنگ رضوی به آنها سفارش شده است. امام رضا(ع) صبر را بهای بهشت می‌دانند: «من سأل الله الجنة و لم يصبر على الشدائد، فقد استهزأ بنفسه...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۳۵۶). فرهنگ رضوی فرهنگی است که فرد و جامعه را به صبر دعوت و تشویق می‌فرماید.

۴. **جهاد در راه خدا:** در قرآن کریم و فرهنگ رضوی تحمل سختی‌ها و جهاد

در راه خدا از مصادیق احسان برشمرده شده است:

ما كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يُرِغَبُوا بِنَفْسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطْؤُونَ مَوْطِنًا يَعْذِيبُ الْكُفَّارَ وَ لَا يَنْبَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا أُكْتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ اهل مدینه و اطرافیان‌شان از عرب‌های بادیه‌نشین را شایسته نیست که از رسول خدا(ص) تخلف نمایند... این به‌خاطر آن است که هیچ تشنگی، رنج و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و به هیچ مکانی که کافران را به خشم آورد قدم نمی‌نهند، مگر آنکه برای آنها عمل صالحی نوشته می‌شود. همانا خداوند پاداش محسنین را تباه نمی‌کند (توبه/ ۱۲۰).

امام رضا^(ع) جهاد را سبب عزت و اقتدار مسلمانان معرفی می فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنْزِلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ (ص) وَمَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَ... بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۰۰).

گسترش دانش

قرآن و عترت حیات بخش بشرند، چنان که قرآن، کلام خداوند و دعوت پیامبر^(ص) را چنین می شناساند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال / ۲۴). بنابراین، دعوت خدا و رسول^(ص) به سوی عترت پاک و مطهر، دعوت به عناصر حیات بخش دنیوی و اخروی جوامع بشری است. مکتب امامت مکتبی است که در آن علم، شکوفا می شود و جهل و نادانی از بین می رود. امیرالمؤمنین^(ع) می فرماید: «أُتِمَّتْ يُقْتَدَى بِهِمْ وَ هُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ هُمْ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ وَ صَمْتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ وَ لَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۳۹۱).

امام شخصیت بی نظیری است که هیچ دانشمندی هم طراز او نیست عن الرضا^(ع): «الْإِمَامُ وَاحِدٌ ذَهْرُهُ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ...» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۰۱). علم، حلم و دریافت و حیانی ایشان را از دیگران ممتاز کرده است. امام رضا^(ع) می فرماید: «الْأُتَمَّةُ عُلَمَاءُ حُلَمَاءُ صَادِقُونَ مُفَهَّمُونَ مُحَدَّثُونَ؛ امامان دانشمندان، بردباران، راست گویان، نیکو دریافت کنندگان حقایق و سخن گفته شدگان اند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۴۵).

معارف و دستوره‌های امامان حکایت از علمشان می کند که وابسته به علم الهی است. همتای قرآن اند و هیچ کدام با یکدیگر اختلافی ندارند. قلوب ائمه مخزن علوم الهی است.^۱ دریافت آنان از جانب پروردگار از سنخ علم حضوری است، نه حصولی.^۲

۱. عن الرضا(ع): «سئل ابي عن اتيان قبر الحسين(ع) فقال... «قل... السلام على محال معرفة الله» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۷۹).

۲. امامان وارثان کتاب الهی اند. عن أحمد بن عمر قال: «سألت أبا الحسن الرضا(ع) عن قول الله عز وجل ثم أوردتنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا... الآية قال فقال ولقد فاطمة(ع) والسابق بالخيرات الإمام» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۱۵؛ سبحانی، ۱۳۸۶).

بنابراین، اطلاع آنان به عالم تکوین و تشریح^۱ به اذن پروردگار از نوع حضوری است.^۲ «تأسیس بیت‌الحکمه بغداد و گسترش نهضت ترجمه آثار فلسفی و کلامی و همچنین، برپایی مجالس بزرگ مناظره و مباحثه‌های علمی در زمان مأمون در واقع تحت تأثیر موقعیت استثنایی علمی امام رضا^(ع) بود» (همایون، ۱۳۹۰: ۴۲۱). بنا به گزارش مورخان و اصحاب تراجم، امام رضا^(ع) معروف به عالم آل محمد^(ص) هستند. امامان معصوم، نور واحدند که به اقتضای شرایط زمان و مکان، در زندگی هر کدام از ایشان جلوه‌هایی از گفتار و رفتارشان درخشان‌تر به چشم آمده است.

تلاش امام رضا^(ع) در گسترش دانش بشری، چه در زمینه علوم عقلی مانند: فلسفه و کلام یا علوم تجربی مانند پزشکی که قرن‌هاست دانشمندان جهان از آن استفاده می‌کنند، حکایت از اهتمام ویژه فرهنگ رضوی به گسترش روزافزون دانش دارد. اباصت هروی می‌گوید امام رضا^(ع) با مردم به زبان خودشان سخن می‌گفت. به خدا سوگند که او فصیح‌ترین مردم و داناترین آنان به هر زبان و فرهنگی بود (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۲۸).

مأمون مسائلی از امام پرسید و آنگاه که پاسخ همه آنها را درست یافت، چنین گفت: «خدا مرا بعد از تو زنده ندارد! به خدا سوگند، دانش صحیح جز نزد خاندان پیامبر یافت نمی‌شود و به‌راستی دانش پدران را به ارث برده‌ای و همه علوم کائنات در تو گرد آمده است» (همان: ۲۰۲).

شکوفایی اقتصادی

فرهنگ رضوی، آبادانی دنیا را مقدمه آبادانی آخرت می‌داند. بنابراین، به این امر

۱. فی زیارة الجامعة: السلام علیکم یا أهل بیت النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائكة و مهبط الوحي و مقعد الرخمة و خزان العلم (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۱۰).
 ۲. عن الرضاع: «الإمام واحد دهره لأيدانیه أحد و لأعداؤه عالم و لأوجد منه بدل و لأله مثل و لأظیر مخصوص بأفضل كلب من غیر طلب منه له و لأکتساب بل اخصاص من المفضل الوهاب فمن ذا الذي يبلغ معرفة الإمام» (همان: ۲۰۱).

تأکید ویژه‌ای دارد. نقش ائمه در دوران بابرکشتان همواره در رشد و تعالی اقتصادی بوده است. آنان حتی کار و تلاش اقتصادی را سبب افزایش عقل دانسته‌اند؛^۱ اما تلاش اقتصادی‌ای که در مسیر بندگی خدای رحمان باشد.^۲

کار، تلاش و اعتلای اقتصادی موجب بی‌نیازی و عزت جامعه می‌شود و این عزت‌مداری موجب سربلندی و اقتدار سیاسی نیز می‌شود. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «... لیس للناس بدٌّ من طلب معاشهم، فلاتدع الطلب...» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲: ۱۸). امام رضا^(ع) بازار را به‌مثابه نهاد اقتصادی به رسمیت می‌شناسند و یکی از دعاهای خویش را به آن اختصاص داده، می‌فرماید: «...اللهم ارزقنی من خیرها و خیر اهلها» (موحدابطحی، ۱۳۸۱: ۸۱). در فرهنگ رضوی کار و تلاش اقتصادی بزرگ‌تر از جهاد در راه خدا شمرده می‌شود. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «ان الذی یطلب من فضل یکف به عیاله اعظم اجرا من المجاهد فی سبیل الله» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۸).

خداوند همواره عزت مؤمنان را خواسته است.^۳ شرف آنان را در عبودیت پروردگار و عزتشان را در بی‌نیازی از مردم قرار داده. از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده که فرمودند: «شرف المؤمن صلّاته باللیل و عزه استغناؤه عن الناس» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۸۶). داود پیامبر^(ع) به امر پروردگار زره‌بافی می‌کرد و از بیت‌المال بی‌نیاز بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۴) «و عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِنُخَصِّنْكُمْ مِنْ بِأَسِيكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء/۸۰).

اساسی‌ترین آموزه‌های فرهنگ رضوی در بُعد اقتصادی، تلاش در تولید هدفمند و با برنامه و قناعت در مصرف است. همسر امام رضا^(ع) زندگی داخلی ایشان را

۱. عن أبي عبد الله^(ع) قال: «تَرَكَ التِّجَارَةَ بِنُفْسِ الْعَقْلِ» و عن أبي عبد الله^(ع) قال: «التِّجَارَةُ تُرِيدُ فِي الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۴۸).

۲. عن بعض أصحابنا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ^(ع) قَالَ: «قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ انْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (همان، ج ۱: ۱۱).

۳. «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنين» (منافقون / ۸).

❖ سال اول، شماره ۲، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۹۲

چنین تعریف می‌کند: «سادگی طبع، عبادت دور از ریا و زندگی به دور از تجملات متداول آن زمان، زندگی امام را تشکیل می‌داد» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۷۸).

جامعه‌ای روی خوشِ سعادت را خواهد دید که بر اساس فرهنگ رضوی، کار و تلاش برای او به فرهنگ تبدیل شده باشد و با زهد و قناعت از نعمت‌های پروردگار به خوبی استفاده کند و شکر نعمت را در استفاده صحیح از نعمت‌ها قرار دهد.

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های جامعه آرمانی در فرهنگ رضوی برگرفته از قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است و در آموزه‌های فرزند معصوم و عالمشان، امام رضا (ع) تبلور یافته که در چند بُعد مهم به اختصار بیان شد: عقل‌گرایی، برپایی عدل، حاکمیت امام، احسان، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی.

دعوت فرهنگ رضوی به عقل‌گرایی و استفاده از بزرگ‌ترین نعمتی که خداوند با این عنوان به انسان عطا کرده، هم در بُعد نظری و هم در بُعد عملی تضمین‌کننده سعادت بشر است. این امر در واقع همان چیزی است که بشر از زمان افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن‌سینا و... تاکنون در پی آن بوده است. در سایر ابعاد نیز فرهنگ رضوی، آرزوی دیرینه متفکران و مصلحان بشری را تحقق می‌بخشد.

حاکمیت امام و برپایی عدل در همه جوانب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، داوری و سیاسی زمینه‌ساز تحقق فرهنگ رضوی است. احسان (با گستردگی مفهومی که قرآن از آن تعبیر می‌کند)، گسترش دانش و شکوفایی اقتصادی نیز از سایر ویژگی‌هایی است که موجب تحقق فرهنگ رضوی می‌شود. فرهنگ رضوی مصداق کاملی از مکتب امامت است که حیات مادی و معنوی بشر را احیا می‌کند.

فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی ❖ ۱۰۱

اما نکته مهم آن است که شناخت تنها یا اظهار پذیرش صرف کافی نیست. آنچه ضروری است و جامعه آرمانی را محقق می‌کند، پیوند قلبی و عملی با فرهنگ رضوی و تلاش برای اجرای همه تعالیم و آموزه‌های رضوی است. در این صورت است که می‌توان امید داشت آرزوی دیرینه اصلاح جهانی هم در بُعد اندیشه و هم در بُعد انگیزه و عمل، صورت عینی و واقعی پیدا کند.

❖ سال اول، شماره ۲، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۹۲



منابع و مأخذ

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، قم: اسلامی.
- ابوداود سجستانی، سلیمان، (۱۳۶۹ق). *السنن*، به کوشش محمد عبدالحمید، قاهره: دار احیاء السنه النبویه.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱). *الصحیح*، بیروت: دارالفکر.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۲). *جستاری در ادعیه رضویه (الصحیفه الرضویه الجامعه)*، تهران: دانشگاه امام صادق^(ع) و بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا^(ع).
- ترمذی، محمد، (بی تا). *السنن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۵). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۳). *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*، تهران: علمی و فرهنگی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن علی بن محمد، (۱۴۱۲). *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: شریف رضی.
- راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- روشه، گی، (۱۳۶۷). *کنش اجتماعی مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۶). *آگاهی سوم یا علم غیب*، قم: مؤسسه امام صادق^(ع).
- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*، تهران: آوای نور.
- سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴). *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم: هجرت.
- شریف، میرمحمد، (۱۳۶۲). *تاریخ فلسفه در اسلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شعیری، محمد بن محمد، (بی تا). *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.

فرهنگ رضوی و جامعه آرمانی ❖ ۱۰۳

- صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه، (۱۴۱۶). *التوحید*، قم: اسلامی.
- صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه، (۱۳۷۸). *عیون اخبارالرضا*، تهران: جهان.
- صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه، (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، قم: اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴). *الأمالی*، قم: دارالتقافه.
- طوسی (خواجه نصیر)، محمدبن محمد، (۱۳۷۴). *اخلاق ناصری*، تهران: سخن.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۴۰۶). *مسند الامام رضا (ع)*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- فراهانی، فاطمه، (۱۳۸۶). *آشنایی با کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان های فرهنگی یونسکو*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قرآن کریم، (۱۳۸۸). ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷). *الکافی*، بیروت: دارالتعارف.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳). *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۸). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۸). *جامعه مدنی*، قم: التمهید.
- معین، محمد، (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*، تهران: هنرور.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۴۱۳). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: آل البیت.
- موحدابطحی، سید محمدباقر، (۱۳۸۱). *الصحیفه الرضویه (ع) الجامعه*، قم: مؤسسه الامام المهدي (عج).
- موحدابطحی، سید محمدباقر، (۱۴۳۰). *عوالم العلوم و المعارف و الاحوال*، ج ۲۲، قم: مؤسسه الامام المهدي (عج).
- مور، توماس، (۱۳۸۸). *آرمان شهر*، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران: خوارزمی.
- مؤلفان، (۱۳۸۷). *تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام*، تهران: سازمان سمت.
- نصری، عبدالله، (۱۳۷۶). *تکاپوگر اندیشه ها*، با مقدمه محمدرضا حکیمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- همایون، محمدهادی، (۱۳۹۰). *تاریخ تمدن و ملک مهدوی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.